خراسان
WWW.KHORASANNEWS.COM
• یک شنبه،۱۱ آذر ۱۴۰۳ • ۲۹ جمادی الاول ۱۴۴۶
• شماره ۲۱۶۴۸ • اول دسامبر۲۰۲۴

ناگهان شعر

نشست «همنشین عشق» در فضای مجازی برگزار شد

استقبال شاعرانه از تازه‌ترین غزل رهبر انقلاب

شامگاه جمعه ۹ آذرماه نشست ادبی «همنشین عشق» در استقبال از جدیدترین غزل انتشار یافته مقام معظم رهبری، با حضور جمعی از اهالی شعر و ادب کشورهای ایران، افغانستان، هندوستان و پاکستان به همت گروه بین المللی «هندیران» برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران ،مقام معظم رهبری در تازه‌ترین غزل منتشر شده‌شان ،سروده‌اند:

گامی به راه و گامی در انتظار دارم
سرگشته روزگاری پَرگاروار دارم
دلبسته امیدی در سنگلاخ گیتی
رَه بی‌شکیب پویم، دل بی‌قرار دارم
یک عمر میزدم لاف از اختیار و اینک
چون شمع، اشک و آهی بی‌اختیار دارم
گو ابرِ غم ببارد تا همنشین عشقم
از غم چه باک دارم کاین غمگسار دارم
نبود روا که گیرم جا در حضیض پَستی
سیلم که هستی خود از کوهسار دارم
سرشارم از جوانی هرچند پیر دهرم
چون سرو در خزان نیز رنگ بهار دارم
از خاک پاک مشهد نقشی است بر جبینم
شادم «امین» که از دوست، این یادگار دارم

در محفل ادبی «همنشین عشق» که دریکی از پیام‌رسان های اجتماعی برگزار شد، شاعرانی مانند علیرضا قزوه، امیر عاملی، غلامرضا کافی، کمیل کاشانی، رسول شریفی، سید مسعود علوی تبار، محمدعلی یوسفی، محمدمهدی عبداللهی، سیدحکیم بینش، ناصر دوستی، علی مزمل لاهوری، عمادالدین ربانی، نغمه مستشار نظامی، سیده بلقیس فاطمه حسینی، سیده کبری حسینی بلخی، میترا ملک محمدی، فاطمه ناظری، آمنه آل اسحاق، نیره جهانشاهی، زهره یوسفی، معصومه توکلی، صبا فیروزی، و سارا عبداللهی حضور داشتند.

چند تن از شاعران حوزه ایران فرهنگی به استقبال این غزل رهبر فرزانه انقلاب رفتند که تعدادی از این اشعار را در ادامه می خوانید.

بی برگ و بارم اما شوق بهار دارم
لبریز آرزویم با غم چه کار دارم
اصل و اصالت من از ملک لامکان است
گمنام عشقم اما ایل و تبار دارم
هم دردهای بسیار از زندگی چشیدم
هم شکوه های بی حد از روزگار دارم
هر کس رسید ما را با تیر عافیت زد
چون آهوان زخمی حالی نزار دارم
آواز خوان دردم در کوچه های غربت
دستی به موی دلدار، دستی به تار دارم
تیر سه شعبه دارد دنیا اگر غمی نیست
من هم به دست، تیغی چون ذوالفقار دارم
حتی ندید دنیا یک چشم سیر ما را
با مرگ امشب اما قول و قرار دارم

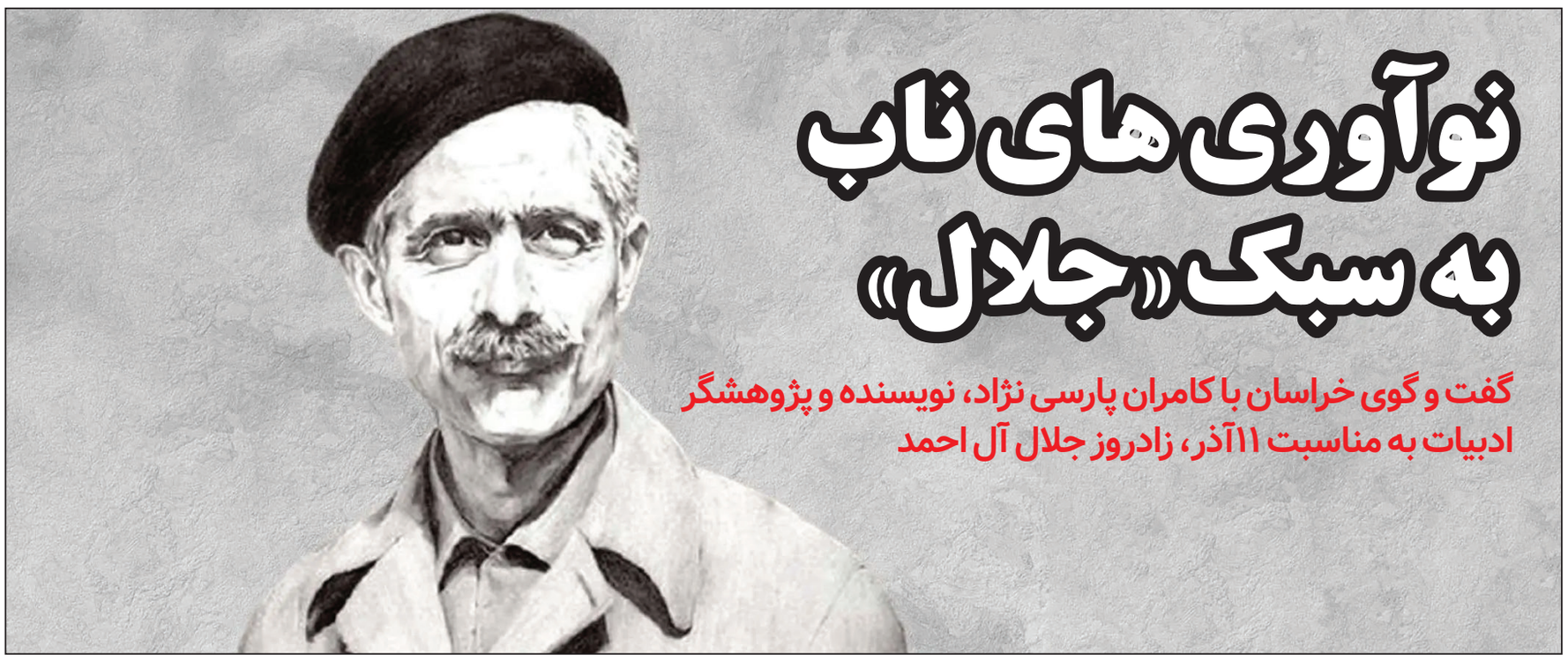
علیرضا قزوه

تنها دو فصل، اما، پرگاروار دارم
روزی خزانِ خود را، روزی بهار دارم
با درد زیستم من، نومید نیستم من
از چشم، اشک و از دل، غم انتظار دارم
من در مسیرِ عشقم، آری اسیرِ عشقم
مجبورِ محض و کلی هم اختیار دارم
در روزگارِ جبرم، در رهگذارِ صبرم
تا در کنارِ ابرم یک غمگسار دارم
خوب است دور بودن، صعب العبور بودن
تسخیرِ من محال است تا کوهسار دارم
تو مظهرِ یقینی، دانایی و امینی
شادم از این که مثلِ تو شهریار دارم

احمد شهریار (پاکستان)

«گامی به راه و گامی در انتظار دارم»
یاران شگفت بازی با روزگار دارم
وقت صلای شادی دل پر زند به سینه
در سینه اشتیاقی دیوانه‌وار دارم
چون دانه‌های پنهان در زیر خاک، خاموش
پوشیده از زمستان طرح بهار دارم
در جاده‌های غربت، لی لی کنان به راهم
شادم که شال سرخ منگوله دار دارم
می‌پرسم از خودم هی، این غم چرا نکشتت
در این سرای نکبت، آخر چه کار دارم؟
در کوچه کوچه بلخ، من ماندم و شبی تلخ
غمگینم و شکایت از روزگار دارم
در جاده‌های غربت، در قحطی محبت
تنها مجال صحبت با شام تار دارم
استاده‌ام به راهش، دلتنگ روی ماهش
در جاده‌های فردا من تک سوار دارم
همراز من شده کوه، در داغ‌های انبوه
با کاروان اندوه، شب‌ها قرار دارم
در فکر بی کرانم، دلتنگ آسمانم
از هرچه در زمین است، قصد فرار دارم

سیده کبری حسینی بلخی (افغانستان)



نوآوری‌های ناب به سبک «جلال»

گفت و گوی خراسان با کامران پارسی نژاد، نویسنده و پژوهشگر ادبیات به مناسبت ۱۱آذر، زادروز جلال آل احمد



محمد بهبودی نیا
calture@khorasannews.com

سید جلال‌الدین سادات آل احمد (زاده ۱۱ آذر ۱۳۰۲ و درگذشته به تاریخ ۱۸ شهریور ۱۳۴۸)، در ادبیات فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد. او نه‌تنها جزو پیشگامان عرصه‌های مختلف ازجمله مستند نگاری، ترجمه و داستان‌نویسی به شمار می‌آید بلکه درمعرفی آلبرکامو و نویسندگانی چون ژید، یونگر، یونسکو و داستایفسکی به جامعه ادبی ایران نقش بسزایی دارد. جلال آل احمد در آثارش همواره بر ساده‌نویسی، محاوره نویسی، نوآوری و مستند نگاری تأکید می‌کرد. به مناسبت سالروز تولد این نویسنده صاحب سبک، با کامران پارسی نژاد، نویسنده و پژوهشگر برجسته ادبیات که تأملات عمیقی بر آثار و زندگی جلال آل احمد داشته گفت‌وگو کرده‌ایم.

***لطفاً مختصری درباره راز ماندگاری آثار جلال آل احمد توضیح دهید.**

جلال آل احمد، از آن دسته نویسندگان صاحب نام معاصر ایران است که در حوزه‌های خاطره‌نویسی، مستند نگاری، ترجمه و داستان‌نویسی همواره تأثیر گذار بوده است. از میان نویسندگان صاحب سبک غربی، ارنست همینگوی را داریم که شیوه روایت عینی و زاویه دید خاص خود را در آثارش به‌رخ می کشد و بسیاری از نویسندگان جهان از سبک او پیروی کرده‌اند. در کشور ما نیز جلال را باید جزو معدود نویسندگان صاحب سبک معرفی کنیم. نویسنده‌ای که در خلق لحن و گفتار خاص شخصیت‌های داستانی و روایت‌های ویژه، شیوه‌ای مخصوص به خود را ابداع کرد. این شیوه بعدها به‌عنوان سبک داستان‌نویسی او شناخته شد. شیوه نویسندگی او امروز الهام‌بخش تعداد زیادی از نویسندگان شده است.

به نظر شما برجسته‌ترین ویژگی آثار جلال چیست؟

رمز ماندگاری جلال در صراحت و رُک گویی و طرح مسائل، بدون پرده‌پوشی است. ما علاوه بر سبک داستان‌نویسی نوِ جلال در داستان‌های او شاهد بیانی شفاف هستیم که از ابهام و پرده‌پوشی به دور است. در داستان «مدیر مدرسه»، «سه‌تار»، «زن زیادی»، او حقایق را به‌صورت شفاف و زلال پیش چشم مخاطب قرار می‌دهد.

ویژگی صراحت را در رفتار شخصی اش نیز شاهدیم. او حتی در گفت‌وگوهای روزانه‌اش کلامی دقیق، شفاف و صریح داشت، اگر اشتباه می کرد با جرئت و جسارت اعلام می کرد که فلان مسیر را اشتباه رفته یا فلان تصمیم را اشتباه گرفته است. به‌عنوان مثال، زمانی در تظاهراتی که در مسیر تفکرات حزب توده بود شرکت کرد، حتی آرم داس و چکش را روی بازویش بست، اما در مسیر ناگهان متوجه شد که سربازان روسی در حال حمایت از او هستند. در همین لحظه متوجه شد به گروهی پیوسته که نیروهای خارجی حامی آن هستند. بدون لحظه‌ای درنگ در تصمیمش تجدید نظر کرد، همان لحظه از جمعیت بیرون زد، خودش را به کوچه‌ای رساند و آرم داس و چکش را از بازویش کند و روی زمین انداخت و از این جریان جدا شد.

درباره محاوره نویسی که جزو نوآوری‌های جلال به شمار می‌آید، چه می توان گفت؟

یکی دیگر از ویژگی های بارز سبک جلال آل احمد، محاوره نویسی است. او برای اولین بار در ادبیات ایران، اجازه داد تا شخصیت‌های داستانش با لحن و گفتار روزمره خود در فضای داستان، ظاهر شوند. جلال به این نتیجه مهم رسیده بود که محاوره نویسی، باعث صمیمیت بیشتر و همذات‌پنداری با شخصیت‌های داستان می‌شود، این تکنیک همان اندازه که از حالت رسمی و دستوری کلمات می کاهد، فضای داستان را به لحن و فضای زندگی مردم نزدیک می کند. ما در داستان «بچه مردم» یکی از نمونه‌های برجسته محاوره نویسی جلال را می بینیم.



رمز ماندگاری جلال در صراحت و رُک گویی و طرح مسائل، بدون پرده‌پوشی است. ما علاوه بر سبک داستان‌نویسی نو جلال در داستان‌های او شاهد بیانی شفاف هستیم که از ابهام و پرده‌پوشی به دور است. در داستان «مدیر مدرسه»، «سه‌تار»، «زن زیادی»، او حقایق را به‌صورت شفاف و زلال پیش چشم مخاطب قرار می‌دهد.

یک نکته جالب دیگر هم وجود دارد و آن، این که در داستان‌های جلال، گاهی زاویه دید، اول شخص است که راوی به صورت محاوره صحبت می کند و این طبیعی است اما آن جا که راوی سوم شخص می‌شود و باید لحن تغییر کند جلال لحن محاوره را تغییر نمی‌دهد. این هم به‌عنوان یک نوآوری ناب، مورد توجه مخاطبان قرار گرفته است.

***تسلط جلال در مستند نگاری چه کمکی به ایجاد جذابیت در داستان‌های او کرده است؟**

جلال آل احمد به دلیل مستند نگاری هایی که انجام داده به نگاه و درک دقیق از جامعه و طبقات اجتماعی مختلف در دوره‌های تاریخی گوناگون رسیده است. این مهارت، تیزبینی و باریک‌اندیشی به شخصیت‌پردازی دقیق و واقع‌گرایانه داستان‌هایش کمک زیادی کرده است. ترکیب مهارت مستند نگاری با قدرت داستان نویسی اش و همچنین توجه ویژه‌ای که به موضوعات اجتماعی زمان خود داشته این امکان را به ما می‌دهد که بعد از گذشت چندین دهه با پژوهش بر روی شخصیت‌های مختلف در داستان‌های او، به درک عمیق‌تری از بستر اجتماعی آن دوره‌ها دست یابیم و مسائل جامعه‌شناختی آن دوران را به‌راحتی واکاوی کنیم؛ بنابراین، داستان‌های جلال، فراتر از روایت، داستان و حادثه، به ابزاری ارزشمند برای درک جامعه و تاریخ تبدیل شده است.

کدام داستان جلال از نظر شما نسبت به بقیه آثارش تأثیرگذارتر است؟

داستان «زن زیادی» بیشترین تأثیر را بر من گذاشته است. در این داستان، نویسنده با دقت، وضعیت جامعه، فرهنگ، احساسات و باورهای شخصیت‌ها را به تصویر کشیده و به‌صورت ضمنی به نقد آن‌ها پرداخته است. همچنین، داستان‌های «بچه مردم»، «مدیر مدرسه» و «سه‌تار» را از جمله آثار ماندگار او می‌دانم، چرا که برخی مسائلی که در آن‌ها مطرح شده، بعد از گذشت چند دهه در روزگار ما نیز وجود دارد و با مخاطبان امروز و تمام دهه‌های گذشته ارتباط عمیقی برقرار کرده است. جلال آل احمد به جریان‌های اجتماعی زنده‌ای پرداخته که مخاطبان در دهه‌های مختلف، آن‌ها را تجربه می کنند.

و سخن پایانی.

در پایان به نکته بسیار مهمی اشاره کنم و آن هم این که داستان و رمان صرفاً برای سرگرمی و تفریح نیستند. متأسفانه بسیاری از متخصصان و مردم خواندن داستان را تنها یک سرگرمی و تفریح می‌دانند. در صورتی که داستان‌ها، در بستر خودشان، نکات مهمی از جامعه‌شناسی را مطرح می کنند. آثار جلال آل احمد و بسیاری از نویسندگان را می‌توان از جنبه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، ادبی و فرهنگی بررسی کرد و از آن‌ها به‌عنوان تجربیاتی آموزنده بهره برد. در نتیجه، با مطالعه یک اثر داستانی، می‌توانیم تجربیات زیادی کسب کنیم. ما معمولاً تجربیاتمان را از طریق شکست‌ها به دست می‌آوریم، اما هر داستان می‌تواند دنیایی از تجربه را به مخاطب منتقل کند. آثار جلال آل احمد در این زمینه بسیار غنی هستند.

شکارچی راز خانه‌های قدیمی

گزارشی از نشست نقد و بررسی رمان «ناخن کشیدن روی صورت شفیع‌الدین» اثر قاسم فتحی

حسن عارفی مهر- نشست نقد و بررسی رمان «ناخن کشیدن روی صورت شفیع‌الدین» اثر قاسم فتحی، با حضور جمعی از نویسندگان و منتقدان ادبی در کافه کتاب آفتاب مشهد برگزار شد.

به گزارش خراسان، در ابتدای این نشست میلاد حسینی، منتقد ادبی گفت: «در رمان ما با فضایی هرج و مرج گونه روبه‌رو هستیم اما نویسنده به طرز ماهرانه‌ای آن را به نفع داستان مدیریت کرده است. زبان اثر روان و فاقد اداو اصول است. لحن گفتاری مناسبی دارد.»

حسینی در ادامه به درک دقیق نویسنده از موقعیت‌ها و شخصیت‌ها اشاره کرد و افزود: «رمان، بر اساس موقعیت سه‌ضلعی قبر، خانواده و همسایه‌ها ساخته شده است. این رمان به هیچ‌وجه پیش‌بینی‌پذیر نیست. به‌طور کلی ما با اثری قابل توجه با فضاسازی قوی و شخصیت‌پردازی دقیق روبه‌رو هستیم.

جهان معلق و رازآلود نویسنده

حسین لعل‌بذری، نویسنده رمان «افتاده بودیم در گردنه حیران»، به‌عنوان دومین سخنران این نشست ضمن اشاره به تجربه روزنامه‌نگاری نویسنده کتاب و تأثیر این تجربیات بر خلق رمان گفت: «فتحی با توجه به تجربه روزنامه‌نگاری و حضور پررنگ در جامعه، توانسته به موضوعی بپردازد که رنج بیشتری را در خود احساس می کند. در رمان با جهانی معلق، مغشوش و پر از رنج و اندوه مواجهیم که از بدنه شهر جدا افتاده است. داستان در محدوده خانه و اقامتگاه‌های اطراف آن می گذرد و ما هیچ‌گاه از آن فراتر نمی‌رویم؛ نه اسم خیابانی از مشهد می‌شنویم و نه با شخصیت‌های دیگری مواجه می‌شویم. فقط بخشی از شهر به تصویر کشیده شده و همین کفایت می کند. به قاسم فتحی دست مریزاد



می گویم که دچار پراکندگی نشده و تا حد زیادی موفق بوده و رمانی خوش‌خوان خلق کرده است.»

غلظت مفهوم و حرف‌های بی‌شمار برای گفتن

لیلا صبوحی دیگر منتقد حاضر در این نشست نیز ضمن اشاره به برخی ویژگی های این کتاب گفت: فشردگی جملات، حامل بار معنایی قابل توجهی است. غلظت مفهوم در برخی بخش‌ها، چشمگیرتر از بخش‌های دیگر است. داستان حول چند خط اصلی می چرخد و خانه‌ای با قبر درونش، ستون فقرات روایت را تشکیل می دهد. فضای اثر، مخاطب را به شدت درگیر می کند، اما انگیزه‌های محرک داستان، چه در محتوا و چه در روایت، کمی ضعیف هستند. این کتاب به‌رغم حجم کم، حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد.

قبرها ضامن ماندگاری خانه‌ها!

قاسم فتحی نویسنده این کتاب نیز گفت: موضوع اصلی این کتاب به خانه‌ای قدیمی در اطراف حرم مطهر امام رضا(ع) برمی گردد. خانه‌ای که آسمان خراش‌ها و هتل‌های بلندمرتبه دوره‌اش کرده‌اند. این روزها نگه داشتن این خانه‌ها در اطراف حرم و تبدیل نکردن آن‌ها به آپارتمان و اقامتگاه اصلاً کار ساده‌ای نیست. شما هر لحظه وسوسه‌های می شوید این خانه‌ها را تبدیل به اقامتگاه یا هتل کنید و از آن به درآمد برسید. در بعضی از خانه‌ها هنوز قبر وجود دارد و به دلیل وجود همین قبرها، خانه‌ها را تخریب نمی کنند در واقع قبرها ضامن نگه داشتن خانه‌ها شده‌اند.

شکارچی سوژه

در پایان این نشست نیز وحید حسینی ایرانی، درباره انتخاب سوژه‌ها توسط فتحی، گفت: قاسم فتحی چون روزنامه‌نگار است در سوژه‌یابی برای داستان‌هایش موفق عمل می کند و سوژه‌ها را به‌خوبی شکار می کند.

درباره کتاب ناخن کشیدن

در این رمان ما با یک خانواده‌ای روبه‌رو هستیم که در اطراف حرم زندگی می کنند که در عرض چند دقیقه می‌توانند وارد حرم شوند. این خانواده در خانه‌ای قدیمی زندگی می کنند که در اطراف آن، اقامتگاه‌ها و هتل‌های سر به فلک کشیده ساخته شده‌اند. این خانه‌ها محل اسکان زائران عرب هستند و ساکنان این محله قدیمی با ترجمه زبان برای زائران عرب امرار معاش می کنند. در یکی از خانه‌ها که محور اصلی داستان در آن اتفاق می افتد یک قبر قدیمی ۵۰ ساله (از سال ۱۳۵۲) وجود دارد که...

دستور رئیس‌جمهور برای رفع نگرانی‌ها درباره کانون

رئیس جمهور به وزیر آموزش و پرورش دستور داد پیشنهادها و نگرانی های انجمن نویسندگان کودک و نوجوان درباره کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را بررسی و درباره چگونگی رفع این نگرانی ها اعلام نظر کند. به گزارش ایرنا، در پی ارسال نامه انجمن نویسندگان کودک و نوجوان به رئیس جمهور و اظهار نگرانی جدی درباره روند تضعیف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و احتمال ادغام آن در سازمان آموزش و پرورش، رئیس جمهور در پاسخ به نامه انجمن، به وزیر آموزش و پرورش دستور داد: پیشنهادها و نگرانی های اظهار شده را بررسی و در مورد این که چگونه می‌شود نگرانی عزیزان را رفع کرد، اعلام نظر کنید تا همکاری لازم به عمل آید.

درک همدلانه پزشکیان

فریدون عموزاده خلیلی ،رئیس هیئت مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان ضمن استقبال از دستور رئیس جمهور، واکنش و پاسخ سریع مسعود پزشکیان به نامه را نشانه دغدغه و درک همدلانه رئیس جمهور نسبت به مسائل کودکان و نوجوانان و ادبیات کودک دانست و اظهار امیدواری کرد که دستور رئیس جمهور مبنی بر بررسی پیشنهادها و رفع نگرانی های اهالی ادبیات و هنر کودک و نوجوان و همکاری در این زمینه، به بهبود وضعیت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بینجامد.

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان